

شکلی

نمایشنامه همراه دو نقد و دو مصاحبه

نغمه ثمینی



نشرنی

ثمنی، نغمه، ۱۳۵۲ -

شکلک: نمایشنامه همراه دو نقد و دو مصاحبه / نغمه ثمنی.

- تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.

۱۱۴ ص.

ISBN 964-312-830-X

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیا.

۱. نمایشنامه فارسی - قرن ۱۴. الف. عنوان.

۸۶۲/۶۲

۸ ش ۸ م / ۸۰۲ PIR

۱۳۸۵

م ۸۴۲.۳۷۶۷۳

کتابخانه ملی ایران



نشر نی

تهران، خیابان فاطمی، خیابان رهی معیری، شماره ۵۸، کد پستی ۱۴۱۳۷

تلفن: ۵۹ و ۸۸۰۰۴۶۵۸، صندوق پستی ۵۵۶ - ۱۳۱۴۵

www.nashreney.com

دفتر فروش: خیابان انقلاب، رویروی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۵۱۲

تلفن: ۶۶۴۹۸۲۹۳، فکس: ۶۶۴۹۸۲۹۴

کتابفروشی: خیابان کریم خان، نبش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۹

تلفن ۸۸۹۰۱۵۶۱

شکلک

نمایشنامه همراه دو نقد و دو مصاحبه

نغمه ثمنی

• چاپ اول ۱۳۸۵ تهران • تعداد ۱۶۵۰ نسخه • لیستوگرافی غزال • چاپ غزال

ISBN 964-312-830-X

شابک X-۸۳۰-۳۱۲-۹۶۴

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۷	یادداشت نویسنده
۱۱	نمایشنامه
۷۷	سایه تهدیدآمیز یک «شکلک» بی مغز!
۸۱	این طالع نحس
۸۷	مهره‌های اصلی، در کوچه‌های تاریک
۱۰۱	رفتم تو یه جایی که پر بود از شعبون

یادداشت نویسنده

کودکی که در خردادماه سال ۱۳۸۲ به دنیا آمد، یک موجود معلول بدون دست و پا بود که به سختی نفس می کشید. او تنها یک قلب داشت که نامنظم می زد و یک جفت چشم که با زبان بی زبانی می گفت که نمی خواهد بمیرد. من و کارگردان نمایش تصمیم گرفتیم پای این موجود ناقص بایستیم. بازنویسی ها آغاز شد؛ بیش از ده بار در یک سال؛ آن قدر زیاد که حالا حسابش از دستم دررفته است. خرده قصه ها کنار همدیگر جفت نمی شدند، منطق جادویی حوادث، یکدیگر را نقض می کردند، پایان نمایشنامه درست از آب در نمی آمد، جزئیات نظم نمی گرفتند و در هر بازنویسی، تازه لنگیدن یک گوشه دیگر متن آشکار می شد.

کم کم گروه اجرایی از راه رسیدند؛ با نظرهای پراکنده و پیشنهادهای متنوع که هر کدام برای آن که نمایشنامه را زیرورو کنند کافی بود!... حالا که به آن روزها فکر می کنم، یادم نمی آید هیچ لحظه ای در تمام طول سال ۱۳۸۲ را که با «شکلک» درگیر نبوده باشم.... بعد، آن شب عالی در بهمن ماه همان سال از راه رسید. یک شب در جشنواره تئاتر فجر. شکلک برای اولین بار روی

صحنه اجرا شد. معجزه اتفاق افتاد. گاهی همه چیز ظاهراً در متن و اجرا درست است، اما روی صحنه معجزه‌ای رخ نمی‌دهد؛ انگار دیواری قطور میان مخاطب و صحنه کشیده باشند. اما در اجرای «شکلک» در آن شب زمستانی، فاصله دورترین تماشاگران به صحنه - کم و کوتاه‌تر شد از یک بند انگشت... شوخی‌ها گرفت؛ لحظه‌های غمگین سرجای خودش اثر کرد؛ و داستان پیچ‌درپیچ در ذهن تماشاگر، نظم روایی به خود گرفت.

جایزه‌ها هیچ وقت نشان‌گر هیچ چیزی نیستند؛ نه هیچ فضیلتی و نه هیچ رذیلتی! اما برای به‌دربردن بخشی از خستگی خوب به کار می‌آیند؛ نمایش «شکلک» در همان جشنواره دو جایزه گرفت: بهترین نمایشنامه و جایزه دوم بازیگری زن؛ دو سال بعد هم از سوی منتقدان و نویسندگان تئاتر به عنوان بهترین اجرای سال ۱۳۸۳ شناخته شد... نقاقت نوشتن «شکلک» درست یک سال و کمی بیشتر طول کشید. وقتی در بهار سال ۱۳۸۴ شروع کردم به نوشتن نمایشنامه بعدی، ناگهان دلم برای «شکلک» تنگ شد. تا آن موقع هنوز از طلسمش می‌ترسیدم. اما وقتی فراموشی نوشته شد، باور کردم که طلسم شکسته شده. فکر کردم و قتش است که دنبال چاپش باشم و بگذارم «شکلک» بالغ یک بار دیگر نفس بکشد و باور کند که زنده مانده است.

چرا همه اینها را گفتم؟! نمی‌دانم! شاید چون نمی‌توانم خاطره آن یک سال سخت را از نمایشنامه منفک کنم. انگار هنوز سایه تک‌تک آن روزها بر سر «شکلک» سنگینی می‌کند.